خبر

حمله هوایی اسرائیل به بندر لاذقیه سوریه

• خبرگزاری دولتی سوریه بامداد سه‌شنبه از حمله جنگنده‌های اسرائیلی به بندر لاذقیه خبر داد. این دومین حمله هوایی منسوب به اسرائیل علیه تأسیسات کلیدی در سوریه در یک ماه اخیر به‌شمار می‌رود. براساس این گزارش این حمله‌های هوایی انفجار و آتش‌سوزی‌های گسترده‌ای در پی داشته است. به گزارش سانا به نقل از یک مقام نظامی که نامی از او نبرده است، موشک‌های متعددی به کانتینرها در بندر لاذقیه برخورد کرده است و برخی از آنها دچار آتش‌سوزی شدند. به گفته او این حمله خسارت‌های گسترده‌ای به بار آورده است. تلویزیون دولتی الخباریه هم تصاویری از آتش‌سوزی و دود در ترمینال بندر لاذقیه منتشر کرده است. این گزارش حاکی از آن است که ساختمان‌های مسکونی، یک بیمارستان و فروشگاه‌های نزدیک بندر نیز خسارت دیده‌اند. به نظر می‌رسد حمله روز سه‌شنبه از حمله اوایل ماه جاری در بندر طرطوس گسترده‌تر بوده است. بنا بر اعلام رسانه‌های سوری، پدافند هوایی این کشور توانسته چند موشک شلیک‌شده به سمت لاذقیه را منهدم کند؛ اما تعدادی کانتینر در بندر لاذقیه به دلیل این تجاوزات اسرائیلی، در آتش سوخته است. حمله به بندر لاذقیه در سال‌های اخیر کمتر اتفاق افتاده بود و اسرائیل به‌ندرت حمله‌هایی در نزدیکی این بندر انجام داده بود. روسیه یک پایگاه عملیاتی در نزدیکی بندر لاذقیه دارد و اسرائیل به دلیل روابط خود با روسیه کمتر به مناطقی که در نزدیکی آن نیروهای روسیه حضور دارند، حمله می‌کند.

گفت‌وگوهای امنیتی روسیه با آمریکا؛ ماه آینده

• دیپلمات‌ها و مقامات نظامی روسیه، در ماه ژانویه بر سر فهرستی از تضمین‌های امنیتی که مسکو خواستار آنهاست، با ایالات متحده بر سر میز مذاکره می‌نشینند. به گزارش الجزیره، سرگئی لاوروف، وزیر خارجه روسیه، در مصاحبه‌ای زنده که در وبگاه وزارت خارجه روسیه پخش می‌شد، از آغاز بی‌درنگ آن گفت‌وگوها پس از پایان‌یافتن تعطیلات سال نو میلادی در آن کشور خبر داد.

مسکو درخواست‌های امنیتی خود را زمانی مطرح کرد که دولت اوکراین و کشورهای غربی، از بسیج ده‌ها هزار سرباز روسی در مرز اوکراین، نگرانی خود را از طرح احتمالی روسیه برای مداخله نظامی در خاک اوکراین مطرح کردند. کرملین هرگونه طرح‌ریزی برای چنین اقدامی را رد می‌کند و در واکنش به نگرانی‌ها مدعی است که امنیت منطقه به دلیل گسترش ائتلاف نظامی ناتو به رهبری آمریکا، در خطر است. مسکو آن اقدام را نافی توافقی می‌داند که ناتو در هنگام فروپاشی شوروی با روسیه امضا کرد و وضعیت کنونی را مشابه با بحران موشکی سال ۱۹۶۲ می‌داند که جهان را تا آستانه جنگی هسته‌ای پیش برد. گفته‌های سرگئی لاوروف درحالی منتشر شد که وزارت خارجه روسیه یکشنبه گذشته اعلام کرد که پیشنهاد ناتو را مبنی بر آغاز گفت‌وگو بر سر ملاحظات امنیتی روسیه از روز ۱۲ ژانویه، در دست بررسی دارد.

در ۱۷ دسامبر، وزارت خارجه روسیه پیش‌نویس توافقی میان روسیه و آمریکا و ناتو بر سر تضمین‌هایی امنیتی را منتشر کرد. این اسناد به واشنگتن و متحدانش ارائه شده است. یکی از مفاد پیش‌نویس این توافق این است که ناتو تضمین کند حوزه فعالیتش را به اوکراین گسترش نخواهد داد. سرگئی ریابکوف، معاون وزیر خارجه روسیه، گفت اگر ناتو و آمریکا به تضمین‌های درخواستی روسیه پاسخی ندهند، تقابل جدیدی ایجاد خواهد شد. معاون وزیر دفاع روسیه هم گفت «تحریکات سیستماتیک» ناتو در نزدیکی مرزهای روسیه مملو از خطرات بزرگی است که ممکن است به یک درگیری مسلحانه تبدیل شود. این در حالی است که خبرگزاری روسی اینترفاکس از رزمایش نیروهای مسلح روسیه در واکنش به یک حمله هوایی احتمالی از سوی دشمن، گزارش داد. در این رزمایش هزار نفر از نیروهای مسلح منطقه نظامی غرب روسیه شرکت کردند. هفته گذشته، برخی از نیروهای روسی مواضع خود را در مرز روسیه با اوکراین ترک کردند و به پایگاه‌های دائمی خود بازگشتند. آمریکا روسیه را به عواقب جدی هرگونه مداخله نظامی در اوکراین تهدید کرده است و روسیه نیز گسترش ناتو به اوکراین یا استقرار سلاح‌های ناتو در آن کشور را خط قرمز خود می‌خواند.

وزیر خارجه دولت اردوغان از مذاکرات آنکارا با کابینه نفتالی بنت خبر داد

ترکیه-اسرائیل در مسیر احیای روابط

روند بهبود مناسبات خارجی ترکیه که از ابتدای سال ۲۰۲۱ تحرک بیشتری پیدا کرده بود، ادامه دارد و اکنون نوبت عادی‌سازی روابط ترکیه با اسرائیل رسیده است. حکومت رجب اردوغان در ماه‌های گذشته چرخشی عمده در حوزه سیاست خارجی داشته و درحال پایان‌دادن به یک دهه تنش با کشورهای دیگر است. اخیرا ترکیه اقدام به بهبود مناسبات خود با مصر، امارات و ارمنستان کرده و اردوغان قرار است در ماه فوریه ۲۰۲۲ به امارات سفر کند. از طرف دیگر دیپلمات‌های ترکیه و فرانسه نیز درحال رایزنی برای رفع موانع عادی‌سازی رابطه دو کشور هستند. در همین حال مولود چاوش‌اوغلو، وزیر خارجه ترکیه اعلام کرده که مناسبات دیپلماتیک با اسرائیل هم درحال عادی‌شدن است.

این اظهارات چاوش‌اوغلو پس از اظهارات رئیس‌جمهوری ترکیه درباره «حیاتی»بودن روابط این کشور با اسرائیل مطرح می‌شود. وزیر خارجه ترکیه در نشست خبری پایان سال ۲۰۲۱ درباره موضوعات مختلف از قبیل رایزنی‌های دیپلماتیک آنکارا با دیگر کشورهای جهان و تنش‌ها با آمریکا و اتحادیه اروپا صحبت کرد. مولود چاووش‌اوغلو درباره مواضع دولت ترکیه در قبال غرب گفت: «ما تمام تلاش خودمان را برای بهبود روابط انجام داده‌ایم اما متأسفانه اتحادیه اروپا نتوانست همان تمایل را نشان دهد. بااین‌حال مذاکرات با فرانسه برای بهبود روابط در جریان است. مذاکرات با ارمنستان هم برای عادی‌سازی رابطه پس از پایان جنگ این کشور و آذربایجان ادامه دارد. مراودات با دولت بایدن هم افزایش یافته و در تلاش برای حل اختلافات و بهبود روابط با ایالات متحده هستیم. از طرف دیگر ما اقدامات زیادی برای عادی‌سازی روابط با امارات عربی متحده، عربستان سعودی، بحرین و مصر انجام دادیم. مراوده دیپلماتیک با اسرائیل هم آغاز شده است؛ البته با حفظ اصول ترکیه در قبال فلسطین. رایزنی‌هایی با کابینه جدید اسرائیل آغاز شده و ما این عملیات را با یک رویکرد واقع‌بینانه انجام می‌دهیم».

اظهارات چاوش‌اوغلو درباره روند بهبود روابط ترکیه با اسرائیل بعد از سخنان رجب طیب اردوغان در دیدار جمعی از یهودیان ترکیه و اعضای «ائتلاف خاخام‌ها در کشورهای اسلامی» مطرح شد.

اردوغان در این دیدار گفت، به‌رغم اختلاف تل‌آویو و آنکارا درباره فلسطین، روابط دو طرف در زمینه‌های اقتصادی، تجاری و گردشگری درحال توسعه است و این روابط برای امنیت و ثبات منطقه دارای اهمیت حیاتی است.

تلاش‌های اردوغان برای بهبود مناسبات خارجی در شرایطی انجام می‌شود که لیر ترکیه در ماه‌های گذشته سقوطی بی‌سابقه را تجربه کرده است. اردوغان گفته است که مناسبات ترکیه و اسرائیل «به‌زودی» به حالت عادی بازخواهد گشت. او گفت با ساخت کنیسه یهودیان در قبرس شمالی، که در حاکمیت ترکیه است، موافقت خواهد کرد. به گزارش رسانه‌های اسرائیل یک گروه یهودی «خباد» در قبرس شمالی فعالیت نیمه‌مخفی دارد. اردوغان همچنین وعده داد که یهودستیزی جایی در ترکیه نداشته باشد و با یهودستیزی، مانند اسلام‌هراسی، مقابله شود. اردوغان تأکید کرده که ترکیه عضو کنوانسیون مقابله با انکار هولوکاست است. میزبانی اردوغان از یهودیان کشورهای مختلف که «ربای برل لازار» خاخام بزرگ یهودیان روسیه در صدر آنها بود، اقدامی بی‌سابقه محسوب می‌شود. در این دیدار برای نخستین بار غذای کاشر (غذایی که با آداب و رسوم یهودیان آماده می‌شود) در کاخ ریاست‌جمهوری ترکیه سرو شد.

همکاری در جنگ قره‌باغ

گروه خاخام‌های اسرائیلی به ریاست اسحاق یوسف، به کاخ ریاست‌جمهوری ترکیه دعوت شده بودند اما به دلیل که اسرائیل سفر شهروندان خود به ترکیه را به دلیل شیوع سویه اُمیکرون کرونا ممنوع کرده است، آنان در این دیدار حضور نداشتند. ضیافت اخیر دومین نشانه از آمادگی اردوغان برای بهبود مناسبات با اسرائیل، پس از ۱۲ سال تنش است. اردوغان اخیرا در تماس تلفنی با «اسحاق هرتزوگ» رئیس‌جمهوری اسرائیل، بر بهبود مناسبات دو طرف تأکید کرده است. رابطه آنکارا و تل‌آویو در دوران نخست‌وزیری بنیامین نتانیاهو، سلف نفتالی بنت به‌شدت تیره شده بود، بااین‌حال دو طرف دفاتر نمایندگی سیاسی در آنکارا و تل‌آویو را تعطیل نکردند و مبادلات بازرگانی و تجاری میان ترکیه و اسرائیل ادامه داشت. ترکیه و اسرائیل در جنگ اخیر آذربایجان و ارمنستان بر سر مناطقی از قره‌باغ در یک جبهه حضور داشتند. ترکیه حامی بزرگ جمهوری آذربایجان در جنگ اخیر با ارمنستان بود و از طرف دیگر آذربایجان به‌صراحت از کاربرد مؤثر جنگ‌افزارها و تسلیحات نظامی اسرائیلی در آن جنگ تقدیر کرد. این همکاری نیز گامی در مسیر تنش‌زدایی میان ترکیه و اسرائیل به‌شمار می‌آید. ترکیه و اسرائیل در سال ۲۰۱۰ و پس از یورش نیروهای اسرائیلی به یک ناوگان حامل کمک‌های بشردوستانه برای فلسطینی‌ها که محاصره اسرائیل را شکستند، سفرای خود را فراخواندند. این حادثه منجر به کشته‌شدن ۹ فعال ترک شد.

در سال ۲۰۱۸ هم تنش دیگری میان آنکارا و تل‌آویو ایجاد شد که عامل آن دولت آمریکا بود. پس از آنکه دولت دونالد ترامپ رئیس‌جمهوری سابق آمریکا اعلام کرد که بیت‌المقدس (اورشلیم) را به‌عنوان پایتخت اسرائیل به رسمیت می‌شناسد؛ ترکیه در اعتراض به این اقدام، سفیر خود را از اسرائیل فراخواند و اسرائیل هم دست به اقدام متقابل زد. اوایل ماه نوامبر امسال هم یک زوج اسرائیلی به علت عکاسی از کاخ اردوغان دستگیر و به مدت یک هفته در ترکیه بازداشت شدند. ترکیه آنها را به جاسوسی برای اسرائیل محکوم کرده و اسرائیل این اتهام را رد کرده بود. درنهایت هم این دو راننده اتوبوس به دستور اردوغان آزاد شدند.

چرخش آنکارا

بازگشت از سیاست‌های تنش‌زا از سوی اردوغان در شرایطی صورت می‌گیرد که ترکیه وضعیت اقتصادی مساعدی را تجربه نمی‌کند و به‌عنوان متحد آمریکا در ناتو، به دلیل سردی روابط با غرب و اغلب کشورهای منطقه منزوی‌تر از قبل شده است. به همین دلیل آنکارا مجبور به عقب‌نشینی شد و در برابر برخی دولت‌های منطقه، رویه‌های آشتی‌جویانه را در پیش گرفت.

اردوغان تصور می‌کند که تنش‌زدایی از روابط با اسرائیل و اعراب منطقه منافع آنها را بیشتر تأمین خواهد کرد و بر توسعه نفوذشان خواهد افزود. اما انتظار نمی‌رود روند آشتی‌جویانه ترکیه در قبال اعراب، لزوما به متحدشدن آنها با هم منجر شود و صرفا باید آن را خروج از وضعیت جنگ سرد توصیف کرد. ترکیه اردوغان دیگر مانند سال‌های گذشته در میان کشورهای عربی جذابیت ندارد و حتی مسئله فلسطین که از آن برای کسب اعتبار استفاده می‌کرد هم تا حد زیادی موقعیت خود را با توجه به عادی‌سازی روابط برخی کشورهای عربی با اسرائیل با میانجیگری آمریکا، از دست داده است. از طرف دیگر اسرائیل هم در شرایط فعلی، چیزی بیشتر از تنش‌زدایی معمولی در روابط با ترکیه را نمی‌خواهد و بعید به نظر می‌رسد که در مسائلی مانند انرژی و از جمله حق بهره‌برداری از میادین گازی در دریای مدیترانه شرقی امتیاز قابل‌توجهی به ترکیه بدهد.

نزاع بر سر مختصات دوران پساکاسترو؛ برزخ کوبای جدید

بهاره محبی: «روزگاری کوبا جایگاه ویژه‌ای در دل اتحاد جماهیر شوروی داشت». این گفته نوستالژیک یک ژنرال بازنشسته ارتش سرخ درباره رابطه هاوانا ـ مسکو در جریان بحران موشکی سال ۱۹۶۲ است.

کوبا همواره در صد سال گذشته جایگاه ویژه‌ای در میان متحدانش داشته است؛ از اسپانیایی‌ها و آمریکایی‌ها گرفته تا اتحاد جماهیر شوروی. این کشور از ابتدای تاریخ ثبت‌شده‌اش به‌عنوان منطقه‌ای بسیار زیبا و اغواکننده شناخته شده که آماده بهره‌برداری بوده است. با ورود کریستوفر کلمب به کوبا در سال ۱۹۴۲ میلادی این کشور به زیر یوغ اروپایی‌ها رفت. اکثر اروپایی‌ها که به کوبا رفتند، اسپانیایی بودند؛ اما انگلیسی‌ها، هلندی‌ها و فرانسوی‌ها نیز به‌عنوان کاوشگر، مزرعه‌دار، برده‌دار و جویندگان ثروت راهی این کشور می‌شدند. سرانجام کوبا به سرزمین کشت شکر که درگیر تجارت برده‌های آفریقایی هم بود، تبدیل شد.

دوره استعمار اسپانیا در کوبا با ظهور ایالات متحده در قرون نوزدهم به‌عنوان قدرت جهانی تشنه سلطه بر سرزمین‌های فراساحلی به پایان رسید. از آن زمان رابطه اقتصادی دو سرزمین (آمریکا و کوبا) در هم تنیده شد؛ کشتی‌های آمریکایی حامل برده آفریقایی‌های اسیرشده را به کوبا می‌بردند و تجار آمریکایی بیشتر شکرها و تنباکوی تولیدشده در کوبا را می‌خریدند؛ محصولاتی که تمامش حاصل کار برده‌ها بود.

آمریکایی‌ها از زمان جنگ انقلاب آمریکا (۱۷۸۳-۱۷۷۵) به کوبا چشم طمع داشتند و بحث بر سر مالکیت این جزیره نزدیک به خاک آمریکا همیشه در واشنگتن شنیده شده است. حتی جیمز مونرو، جان کوینسی و توماس جفرسون از رؤسای جمهوری ایالات متحده از ضمیمه‌کردن کوبا به خاک آمریکا آشکارا دفاع می‌کردند.

اما در کوبا نخبگان به دو دست تقسیم می‌شدند: گروهی که به دنبال حمایت قدرت‌های بزرگ مانند اسپانیا و آمریکا بوده و سودی را (به‌ویژه در تجارت برده با آمریکایی‌ها) طلب می‌کردند و گروهی که به دنبال استقلال ملی بودند. ایده حاکمیت واقعی نبردی بود که از زمان انقلاب فرانسه در سرتاسر مستعمرات اسپانیایی‌زبان آمریکا آغاز شده و در اوایل قرن نوزدهم بیشتر مستعمرات نیم‌کره آزاد شده بودند.

در طول مبارزه برای پایان استعمار اسپانیا، چند قیام ناموفق

بردگان هم به وقوع پیوست که قتل‌عام‌های گسترده‌ای در پی داشت. مزرعه‌داران استعمارگر کوبا از تکرار وقایع هائیتی هراس داشتند؛ جایی که قیام خونین بردگان در اواخر قرن هجدهم به استعمار فرانسه بر این جزیره پایان داد.

مبارزه برای استقلال کوبا در سال ۱۸۶۸ از همان ابتدا با جنبش الغای بردگی همراه شد. در اواسط دهه ۱۸۹۰ بود که جنگ خونین کوبایی‌ها با والریانو وایلر ژنرال بدنام اسپانیایی که گفته می‌شود یک‌دهم جمعیت کوبا در مزارع او به دلیل بیماری، گرسنگی یا بدرفتاری کشته شدند، منجر به ایجاد ارتش قدرتمندی از استقلال‌طلبان شد که شعارشان این بود: «آزاد زندگی کن یا بمیر».

در ایالات متحده، مردم عادی با شورشیان کوبایی همدردی می‌کردند و سیاست‌مدارانی مانند تئودور روزولت در پی فرصت‌هایی برای بهره‌برداری آمریکا از این مسئله بودند. پانزدهم فوریه ۱۸۹۸ بود که به دلیل انفجار کشتی نظامی آمریکا در بندر هاوانا ۲۵۶ دریانورد آمریکایی کشته شدند. این واقعه کلید جنگ اسپانیا ـ آمریکا را زد و پس از ۱۶ هفته درگیری، اسپانیا شکست خورد.

در طول نیم‌قرن بعد آمریکایی‌ها تلاش کردند تا کوبا را براساس سلیقه و منافع خود تغییر دهند. تنها دو سال پس از رفتن اسپانیایی‌ها، واشنگتن بر تصویب قانون اساسی در کوبا نظارت کرد که به آمریکا حق مداخله در کوبا را می‌داد و خلیج گوانتانامو را به‌عنوان پایگاه دریایی ایالات متحده به رسمیت می‌شناخت. سیاست‌گذاران آمریکایی نظام مالکیت زمین را در کوبا هم تغییر دادند تا درهای این کشور را به روی سرمایه‌گذاران خارجی باز کنند؛ تغییراتی که برندگان اصلی آن شرکت‌های آمریکایی بودند. در این دوران ملی‌گرایان کوبایی دست به شورش زدند و بسیاری از آنان به دست دیکتاتورهای مورد حمایت آمریکا کشته شدند تا اینکه در دهه ۱۹۵۰ فیدل کاسترو در پی یک انقلاب قدرت را به دست گرفت.

آدا فِرر، استاد تاریخ دانشگاه نیویورک که در کوبا به دنیا آمده و در ایالات متحده بزرگ شده، در کتابی با عنوان «کوبا» که حاصل تحقیقات ۳۰ساله اوست، ضمن پرداختن به تاریخ پرفرازونشیب کشورش، به روابط پیچیده هاوانا ـ واشنگتن نیز پرداخته است. او در فصل سوم کتاب از خیزش و نیم‌قرن حکومت کاسترو در کوبا نوشته و از تغییرات بنیادینی صحبت کرده که با انقلاب او وارد جامعه کوبایی شده است. او در پایان این فصل نوشته: «جنگ سرد میان آمریکا (به‌ویژه جمهوری‌خواهان) و کوبا هیچ‌گاه فقط درباره جنگ سرد نبوده و درباره کمونیسم نبوده؛ بلکه نزاعی بوده است میان قدرت آمریکایی و حق حاکمیت کوبایی و اینکه مختصات و حد و حدود هرکدام چگونه باشد».

فرر که خانواده‌اش بر اثر انقلاب کوبا از هم فروپاشیده است، تمام تلاشش را کرده تا در کتابش بی‌طرفی را رعایت کند که دستاورد بزرگی برای او به حساب می‌آید. او کوبایی را در برابر مخاطبان قرار می‌دهد که در میانه یک مقطع تاریخی حساس دیگر قرار دارد: برزخ پسا کاسترو. فرر نوشته شهروندان کوبایی مثل همیشه ساکنان کشوری جزیره‌ای هستند که به لحاظ جغرافیایی به زندگی در نزدیکی امپراتوری آمریکا محکوم هستند. اکنون به لطف فیدل کاسترو و برادرش رائول، کوبا به لحاظ سیاسی حاکمیت مستقل دارد؛ اما به لحاظ اقتصادی به‌شدت آسیب دیده و رابطه‌اش با همسایه بزرگ شمالی هم مثل همیشه ناسازگارانه است.

فرر اگرچه از قضاوت نهایی درباره دوران کاسترو اجتناب می‌کند؛ اما به نارضایتی فزاینده میان مردم عادی می‌پردازد و می‌نویسد: «به نظر می‌رسد بیشتر مردم به تغییر تمایل دارند تا ادامه وضع موجود. این تغییر لزوما یک تغییر سیاسی نیست؛ بلکه صرفا یک تغییر اساسی برای بهبود وضعیت درآمدشان، رژیم غذایی، رفت‌وآمدهای روزانه و بیشترشدن انتخاب‌ها و فرصت‌های زندگی‌شان».

امروز زندگی در جزیره به‌مراتب دشوارتر از چند سال پیش شده است. پاندمی کووید۱۹ درهای کوبا را به روی جهان بسته و صنعت توریسم را که یکی از مهم‌ترین منابع درآمدی این کشور بوده، تعطیل کرده است. جو بایدن، رئیس‌جمهوری ایالات متحده، هم با وجود وعده‌های انتخاباتی تغییرات کمی را در قوانین سخت‌گیرانه دولت قبل (دونالد ترامپ) نسبت به هاوانا ایجاد کرده است. این فقدان تغییر در کنار کمبود شدید مایحتاج اساسی نگاه بدبینانه گسترده‌ای را در کوبا ایجاد کرده است.

اکنون دیگر برادران کاسترو در رأس قدرت نیستند و نسل جدید کوبایی‌ها را که پس از فروپاشی اتحاد جماهیر شوروی به دنیا آمده‌اند، نمی‌توان بخشی از میراث سوسیالیستی برشمرد. این کوبایی‌ها که حالا یک‌سوم از جمعیت کشور را تشکیل می‌دهند، کمتر از والدین خود ایدئولوژیک بوده و بیشتر دوست دارند که زندگی معمولی داشته باشند. آنها می‌خواهند کار کنند، زندگی کنند و سفر کنند. دولت کوبا در مواجهه با این تغییرات نسلی، با استفاده از قوه قهریه تأکید می‌کند که این وظیفه جوانان است تا استقلالی را که برایش جنگیده شده و پیروز شده، حفظ کنند.

فرر در اینجا برای توصیف شرایط کوبا به‌درستی از واژه «بحران» استفاده می‌کند. او بااین‌حال به این نکته اشاره می‌کند که بهبود زندگی روزمره مردم کوبا به چیزی بیش از ساکنان کاخ سفید بستگی دارد؛ «ایجاد تغییر به تصمیم‌های دولت کوبا و درنهایت خود مردم کوبا بستگی دارد».

منبع: فارن افرز

روزنه

۴۲ سال پس از تهاجم شوروی افغانستان همچنان بی‌ثبات

• افغانستان در بیش از ۴۰ سال گذشته، آن‌قدر روزهای تلخ و دردناک در تقویم خود داشته که تفکیک آنکه کدام روز خاص موجب فلاکت بیشتر در آن کشور شده، دشوار است. بااین‌حال، روزهایی چون ۲۷ آوریل و ۲۴ دسامبر، از بدترین روزهای تاریخ معاصر افغانستان به‌شمار می‌رود، زیرا این روزها مبنا و تداوم‌بخش دوره‌های تلخ‌تر و بحرانی‌تر در افغانستان بوده‌اند.

۲۴ دسامبر ۱۹۸۹ نیروهای ارتش سرخ شوروی سابق به افغانستان هجوم آوردند. آنان که نگران شکست تحولی بودند که به «انقلاب شکوهمند ثور» شهرت یافته بود، نمی‌توانستند بپذیرند که در فاصله یک سال، جنبشی که آنان و عمال و طرفداران‌شان در افغانستان، آن را «انقلاب طبقه زحمتکش» می‌دانستند، به شکست بینجامد.

حضور مستقیم نیروهای اتحاد جماهیر شوروی سابق در افغانستان، از نظریه مهم نظریه‌پردازان سیاسی آن کشور برای گسترش نفوذ خود در جنوب آسیا نشئت می‌گرفت. اتحاد جماهیر شوروی مایل بود بیشتر به آسیای جنوبی نزدیک باشد تا بتواند بر پاکستان که از نظر تاریخی به آمریکا نزدیک بوده است، نفوذ یابد و هند را نیز در کنترل داشته باشد. این تمایل با کودتای ۲۷ آوریل در افغانستان تاحدی محقق شد و روس‌ها با اطمینان از وجود یک دولت کاملا وابسته به کرملین، حمایت بی‌دریغ خود را در اختیار دولت نورمحمد ترکی گذاشتند. اما با کشته‌شدن ترکی به دست شاگرد ظاهرا وفادارش، حفیظ‌الله امین و قبضه‌کردن قدرت از سوی او، روس‌ها نگران انحراف انقلاب شدند.

هم‌زمان با آن تحولات، گزارش‌هایی هم از تلاش امین برای نزدیک‌شدن به آمریکایی‌ها به گوش مقامات شوروی خورده بود. امین چندین بار با سفیر آمریکا در کابل تماس گرفته بود. در گزارش سفیر آمریکا از یکی از آن تماس‌ها به کاخ سفید، گفته شده است که حفیظ‌الله امین ۴۰ دقیقه با او گفت‌وگو کرده است. جناح «پرچم» حزب دموکراتیک خلق افغانستان که با حضور امین در قدرت، خود را کاملا منزوی می‌دید، بحث احتمال جاسوس‌بودن او را داغ‌تر کرد. در نتیجه، روس‌ها که نگران ازدست‌رفتن سرمایه‌گذاری سیاسی بزرگ خود در افغانستان شده بودند، در ۲۴ دسامبر ۱۹۸۹ به افغانستان هجوم آوردند. حفیظ‌الله امین در قصر تاج‌بیگ در جنوب شهر کابل که محل زندگی او و خانواده‌اش بود، توسط نیروهای ویژه ارتش سرخ به قتل رسید و ببرک کارمل، رهبر شاخه پرچم حزب دموکراتیک افغانستان، دبیر هیئت اجرائی کمیته مرکزی حزب و صدر دولت افغانستان شد.

روس‌ها به‌سرعت پایگاه‌های مختلفی در سراسر افغانستان ایجاد کردند و هزاران سرباز خود را با حجم گسترده‌ای از تجهیزات نظامی در آن پایگاه‌ها مستقر کردند. تهاجم نیروهای شوروی سابق به افغانستان، واکنش جهانی گسترده‌ای در پی داشت. کشورهای زیادی آن تهاجم را محکوم کردند و المپیک ۱۹۸۰ مسکو نیز از سوی چندین کشورها تحریم شد. سازمان ملل متحد از شوروی خواست که هرچه زودتر از افغانستان خارج شوند‌اما خروج ارتش سرخ از افغانستان نزدیک به ۱۰ سال طول کشید.

آمریکا که از قبل انتظار هجوم شوروی به افغانستان را می‌کشید، سریع دست‌به‌کار شد و از «مجاهدین» حمایت کرد. روس‌ها می‌پنداشتند که نیروهای تازه‌شکل‌گرفته مجاهدین را ظرف چند هفته یا چند ماه از بین خواهند برد اما جنگ چریکی فرسایشی مجاهدین در مقابل آنان ۱۰ سال طول کشید و هزینه سنگینی بر دوش اتحاد جماهیر شوروی گذاشت.

اما هزینه‌ای که افغانستان بابت تهاجم ۹ساله روس‌ها به آن کشور پرداخت نیز کمرشکن بود و به تخریب‌های جبران‌ناپذیری انجامید. تاکنون هیچ آماری مبتنی بر بررسی علمی درمورد خسارت‌های به‌جامانده از تهاجم روس‌ها در افغانستان منتشر نشده است اما به نظر می‌رسد که بالغ بر صدها میلیارد دلار باشد، زیرا نه‌تنها افغانستان در زمان خروج روس‌ها به ویرانه‌ای بدل شده بود بلکه از نظر اجتماعی و ساختاری نیز سال‌ها عقب رفته بود.

بحرانی که با هجوم روس‌ها در افغانستان شکل گرفت، هنوز هم ادامه دارد. می‌توان گفت که نخستین هسته‌های افراطی‌گری و تروریسم جهادی، با هجوم روس‌ها به افغانستان شکل گرفت. احزاب و نیروهای افراط‌گرای مذهبی با حمایت مستقیم پاکستان و کمک غیرمستقیم آمریکا، در افغانستان شکل گرفتند و منظم و مسلح شدند. آمریکا در دوران حضور نیروهای شوروی سابق در افغانستان، نزدیک به یک‌میلیارد دلار به مجاهدین کمک کرد تا آن نیروها را در افغانستان زمین‌گیر کنند. اما بعدها بیش از دو تریلیون دلار هزینه کرد تا اثرات مخربی را که جنگ افغانستان بر آن کشور و بر جهان گذاشته بود، پاک کند. اما آمریکا نیز مانند شوروی سابق درنهایت شکست خورد و پس از ۲۰ سال حضور در افغانستان، از آن کشور خارج شد، درحالی‌که پشت‌سرش حکومتی با مبنای فکری افراطی‌گری و تروریسم در افغانستان روی کار آمده است.

منبع: ایندیپندنت

اخطار افراز:

بدین وسیله به خانم لیلا ریاض ابلاغ میگردد نظر به اینکه خانم ها سودابه و تهمینه ریاض مالک مشاعی پلاک ۹۳۶ فرعی از ۲۰ اصلی قریه مشاعکلایه حوزه ثبتی رامسر تقاضای افراز سهم مشاعی خود را نموده است و شما نیز مالک مشاعی آن می باشید از آنجایی که مالک مذکور موفق به اعلام نشانی دقیق شما نگردید لذا طبق ماده ۱۸ آیین نامه اجرایی استاد رسمی مراتب بدین وسیله به شما اخطار میگردد که جهت حفظ حقوق خودتان و اطلاع از محدوده ایشان راس ساعت ۱۰ مورخه ۱۴۰۰/۱۰/۲۵در محل وقوع ملک حضور به هم رسانید تا تضییع حقی از شما نگردد. بدیهی است عدم حضور شما مانع عملیات افراز نخواهد بود. این آگهی در یک نوبت به تاریخ ذیل منتشر خواهد شد تاریخ انتشار :۱۴۰۰/۱۰/۸
آدرس وقوع ملک رامسر- مشاعکلایه
م الف ۱۲۴۷۷۰۹

(آگهی فقدان مدرک تحصیلی)
مدرک تحصیلی اینجانب **محمد صادق پیوندی** فرزند علی اکبر به شماره شناسنامه ۹۳۰ صادره ازتهران در مقطع کارشناسی در رشته مدیریت بازرگانی صادره از واحددانشگاهی تهران جنوب به شماره۸-۱۶۴-۷۴۱۴۱۶۴ مفقود گردیده وفاقداعتبار می باشد.از یابنده تقاضا میشوداصل مدرک را به دانشگاه از ادا سلامی واحد تهران جنوب به نشانی تهران -خیابان کریمخان زند-خیابان ایرانشهر شمالی-نبش آذر شهر-پلاک-۲۰۹ یا کد پستی ۱۵۸۴۷۱۵۴۱۴ ارسال نماید.

مدرک فارغ‌التحصیلی اینجانب الهام فاطمی‌نژاد فرزند حسن به شماره شناسنامه ۱۳ ۲۰ صادره از تهران در مقطع کاردانی رشته کاربرد کامپیوتر صادره از واحد دانشگاهی تهران سما با شماره ۱۷۸۳/۲۲۸/۸۲ /ف مفقود گردیده است و فاقد اعتبار می‌باشد. از یابنده تقاضا می‌شود اصل مدرک را به دانشگاه آزاد اسلامی واحد تهران غرب به نشانی بلوار دادمان، خیابان درختی، کوچه سقفی، ستاد مرکزی تهران غرب ارسال نماید.